

پیشنهاد میرزا خلیل کمره ای برای همگرایی اسلامی



راه حل فوری آیت ا^۱ میرزا خلیل کمره ای برای دستیابی به وحدت، استفاده از قدرت سیاسی (فرمانروایان مسلمان) و قدرت معنوی (علما و فقها) جهت رفع اختلافات و توهّمات است[۱]

ایشان راه تفاهم فقها را گردش در بلاد اسلامی و دیدار از یکدیگر می داند.[۲] ایشان تبادل دانشجویان و طلاب در دروس فقه را برای حل اختلافات مذهبی پیشنهاد می کند.[۳] این امر از نظر ایشان موجب خواهد شد تا تنفر و وحشت از یکدیگر کم گردد و بدانند که فقه اسلامی در همه مذاهب، مقتبس از کتاب و سنت است.

الگوی کمره ای در وحدت اسلامی، برگرفته از عناصر وحدت در تفکر اسلامی است، اعم از مباحث توحید و نبوت و معاد و مناسک و شعائری چون حج، قبله و اذان و بازگشت به تاریخ اسلام و احیای شاخمه های وحدت در صدر اسلام و دوره نبوی است.

ایشان معتقد است بازگشت به تاریخ، مسلمانان را از افراط و تفریط باز خواهد داشت و وحدت در چنین شرایطی شکل پیدا می کند.

در الگوی ایشان، عالم اسلامی یک حقیقت یکپارچه در نظر گرفته شده است. با این حال، تفاوتها یک امر طبیعی تلقی شده است و عوامل تفرقه را تهاجم قدرتهای سیاسی خارجی و سوء مدیریت نظامهای سیاسی و فرهنگی داخلی می دانست.

از نظر ایشان، ریشه های عزت اسلامی را در حج و قبله باید جست. این دو از نعمتهای بزرگ الهی در گردهمایی بزرگ امت اسلامی هستند. مسلمانان هر روزه خود را برای ورود به سپاه حج و قبله مهیا می کنند. و در سپاه محمد(ص) در می آیند و تحت امر او، و آموزه های او در راه امن دنیا آرایش خود را هر روزه نشان می دهند.[۴] به همین دلیل نیابت در استقبال از قبله مادامی که انسان مکلف زنده است، پذیرفته نیست و خود فرد باید این وظیفه را به عهده گیرد.

مکه و مدینه، قلب حیات اسلامی و وحدت مسلمانان است و لذا پیشنهاد می کند در همه مراکز تاریخی این دو شهر، علامتها و تابلوهایی نصب شود و گذشته را به مسلمانان یادآور شوند. وقتی این نشانه ها نصب نشود، زایرین سرزمینهای گوناگون، بیابانها و کوه های این دو شهر را مثل بیابانها و کوه های شهرهای خود خواهند یافت و تفاوتی برای آن قائل نخواهند شد.[۵]

ایشان پیشنهاد می کند در نواحی بقیع، الواحی نصب شود که مجد و بزرگواری مدفونین آن را گوشزد کند.[۶] با این الواح مسلمانان از افراط و تفریط پرهیز خواهند کرد.

نقش این الواح آن خواهد بود که این ناحیه مقدس نقش و حیانی خود را در همه کره زمین به عهده خواهد داشت، چون خدا خانه را منشأ قیام برای مردم قرار داده است.

او از تامل در این دوشهر نتیجه گرفت که این عمل در بردارنده کلید امن جهان و مجتمع و موجب همدلی نیروهای اسلامی خواهد بود، تا نسبت به هم معاضدت داشته باشند. اگر در این امر غفلت شود به فساد در امور مسلمانان خواهد انجامید. اهمیت این دو شهر از آن جهت است که پر از خاطره هاست.

ایشان این امر بدیهی و در عین حال فراموش شده را به زمامداران مسلمان یادآور می شود که خانه خدا از سازمان ملل برای ایجاد وحدت شایسته تر است. قبله مسلمانان می تواند به خانه امن امتهای و دولتها تبدیل شود و همه انسانها با تمسک به این قبله از حقوق برابر برخوردار باشند و هیچ تبعیض نژادی و جنسی و یا مذهبی معنی نداشته باشد. [۷] و خدا نشر چنین اندیشه ای را از این خانه اراده کرده است.

او یادآور می شود: روز فتح مکه چگونه پیامبر از قریش خواست تا خواسته دل شان را با او در میان بگذارند و آنان را برخلاف جفای شان مورد عفو قرار داد و صحنه قتال و تلافی را به صحنه لقا و وصال تبدیل کرد و عشق و صفا بر مسجد الحرام و مکه سایه افکند. [۸] سلمان فارسی از رامهرمز یا جی در این سرزمین کنار بلال حبشی و صهیب رومی گرد آمدند. [۹]

و نتیجه می گیرد: قبله دارای سرّ بزرگی است و حاکی از این است که انسانها در این محل، خود لازم است فرمانی را دریابند و سخنان خود را بگویند. محبوب آن جاست. جهت قبله، قطب جهانی است از بدایت تا نهایت که نعش انسان را روبه آن می شویند و او را رو به قبله دفن می کنند.

"و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول". [۱۰]

از نظر میرزا خلیل در قبله، آن چه مورد توجه است، خانه نیست، حرم و بلد امین است که جهت آن کعبه می باشد. پس مقصد نهایی سنگ و گل نیست، سرّ رموزی است که در آن نهفته است. [۱۱] مراد انتظام الهی است که تشریع شده و مقررات امن و امانی است که به دست معلم الهی بشر وضع شده است. [۱۲] قبله عمل ماست، نه اسم خانه؛ اما چون عمل باید به سمت بیت الحرام باشد، کم کم اسم عمل بر خانه گذاشته شده است. [۱۳]

پس قبله، طرز ایستادن و رو به رو شدن با چیزی است که با حضور ذهن انجام می گیرد.

قبله، رفتاری آگاهانه و خبردارانه است با همه اعضا و اندام.

پس قبله، اقبال کردن به چیزی است. در قبله حضور ذهن شرط است. [۱۴]

قبله، الهام بخش و منبع الهام و مصدرِ سروش است. جمعیتِ هواخواه خود را روزانه پنج نوبت حاضر و غایب می‌کند، در یک رژه مذهبی آنها را با خلوص کامل در صف می‌کند، هر چه خود دارد به آنها الهام می‌کند. [۱۵] پیروان مکتب قبله، این عمل را ادامه می‌دهند و این توسعه روز افزون، بالاخره جهان را به سلطنت آن جا تسلیم می‌کند و همه حزب قبله می‌شوند. پس سرّ قبله عظیم است. [۱۶] جنگ بی‌صدا میان کعبه و دربارها درگیر است. هر کدام از یکدیگر می‌کاهند و به خود می‌افزایند و جمعیت بشر در تجاذب بین این دو قوه اند. زنجیرهای اجتماعی انسان را به جهنم می‌کشد و جاذبه خانه خدا می‌رها‌ند. [۱۷] ملت‌هایی که قبله نداشتند همه در جنگ با اسلام رفتند، ولی اسلام ماند چون قبله داشت: "و جعلنا الکعبة البیت الحرام قیاما للناس" قیام را باید از کعبه بگیرید. قیام صحیح این جاست.

نظارت قبله بر اشجار، حیوانات، نظارت بر ذبیحه، بر مال انسان بی‌سرپرست و نظارت بر قیام خلق و منطق بلد‌امین بر بلاد نا امن نیز از مباحث قابل تأمل است.

به نظر کمره‌ای، وحدت بر اساس الگوگیری از گزارشات تاریخی اسلام امکان پذیر است. این الگو با توجه به اتقان در اسناد و استناد با اقبال عمومی رو به رو خواهد بود. چون یک الگوی خیالی نیست، بلکه محسوس و واقعی است. او هرچند در راه ارائه الگوی مورد نظر خود با نقادی از محافظه کاریهای تاریخی می‌گذرد، و از قوه اجتهاد خود به خوبی استفاده می‌کند.

پی نوشتها:

1. ارض النبوة جسر عظیم / 71.

2. همان / 121.

3. همان / 125.

4. همان / 36.

5. همان.

6. همان / 23.

7. همان / 85.

8. همان / 20 - 21.

9. همان / 86.

10. بقره، آیه 139.

11. همان / 118.

12. همان / 126.

13. همان / 26.

14. قبله الاسلام، میزرا خلیل کمره ای، تهران 1376 / 1336؛ ه. ق.

15. همان / 20.

16. همان / 21 - 20.

17. همان / 22.

منبع اخوت غلامرضا جعفری

